

جامعه محترم ایرانیان بهائی و سران غیر محترم بهائی به اصطلاح ایرانی:

با سلام :

نامه سرگشاده شما به رئیس جمهورمان اگرچه بیشتر جنبه تبلیغاتی داشت و پیش از آنکه به دست سران تهران بررسد در همه شهرها و روستاهای کوچک و بزرگ ایران زمین توزیع گردیده بود، که جای بسی تاسف و دلسوی است، اما به هر حال بهائیه ای شد تا ملت ایران نیز سکوت ۱۶۱ ساله خویش را بشکند و قصه ناگفته خویش را به گوش جماعت بهائی ایرانی برسانند: در حدود دویست سال پیش همزمان با دست درازیهای متعدد استعمار انگلیس و روسیه در پروژه های مختلف اقتصادی و سرقت منابع مالی و اراضی حاصلخیز سرزمین پهناوران ایران و در زمان اوج بی کفایتی شاهان خوش گذران آن روزگاران، نهضتی در میان هم میهانمنان بوجود آمد که آنرا بیداری اسلامی نام نهادند. وقتی اوج فضاحت قرارداد گلستان و قراردادهای مشابه (که متأسفانه اخیرا نیز نمونه هایی از آن امتنیازدهی ها را در همکاریهای مشترک جمهوری اسلامی با اتحادیه اروپا شاهد بودیم!) بر علما و جمیع ملت واضح گردید، فتوای تاریخی میرزا شیرازی مبنی بر تحریم توتون و تتبکو ارکان حکومت شاهانه ایران آنزمان را لرزاند و استعمارگران کهنه کار انگلیسی را نیز به عقب نشینی پر خساری واداشت که نمونه آن تا آنزمان برای هیچ استعمارگری در تاریخ جهان اتفاق نیافتد بود.

بر همگان واضح و مبرهن است که سازمانهای اطلاعاتی بریتانیای کبیر از این عقب نشینی اگرچه غافلگیر شده بودند اما همین ضربه را نزدیکان ترقی خویش قرار داده و با تمام قوا به تجدید نیرو و جبران مافت برآمدند و به قدر اجرای نقشه ای نوین و سیاستی تازه برای مقابله با این نهضت بیداری که تهدید کننده منافع آنان بود افتادند. اینجا بود که دست به دامن تمام استعمارگران جهان شدند تا فکری نو بیاندیشند که اگر این نهضت همه گیر میشد بی شک منافع کلیه استعمارگران جهان در سطح جهانی را مورد تهدید قرار میداد. سیستمها نظامی و اطلاعاتی غرب به حرکت درآمدند و به مطالعات گسترده ای در انگیزه ها و محركهای آغاز این نهضت در سطح بین المللی دست زدند. اگرچه روشهای منحوس کسب اطلاعات و بحران سازی و جاسوسی و نتایج مذاکرات پنهانی سازمانهای اطلاعاتی غرب و شرق آن زمان به گواه تاریخ بر سران غیر محترم جامعه محترم شما پوشیده نبوده و نیست لیکن جهت اطلاع عموم بهائیان در جلسه نهایی این مذاکرات این نتایج حاصل گردید:

۱- نهضت بوجود آمده از مبانی اسلام شیعی نشات گرفته است.

۲- مبانی مذکور با استناد به کتاب مقدس مسلمانان (قرآن) و با نفوذ معنوی مراجع تقليد در اشار ملت اجرا گردیده اند.

۳- این نهضت با نهضت امام سوم شیعیان (امام حسین) آبیاری شده و با امید به حکومت جهانی امام غائب آنان (امام زمان) تقویت گردیده است.

۴- مرکزیت این نهضت کشور ایران است و کشورهای همسایه ایران و نیز سوریه و لبنان و فلسطین و کشورهای عرب حوزه خلیج فارس مرکزی هستند که احتمال تاثیر پذیری مل و دولتها ای این نهضت بسیار زیاد است.

جهت مزید اطلاع دوستان محترم در این جلسه پس از اعلام نتایج فوق تصمیمات زیر نیز اتخاذ گردید:

۱- در یک برنامه بلند مدت، سازمانهای امضا کننده به نمایندگی از دولتها یشان موظف به ایجاد شباهت متعدد در مبانی دین اسلام و بخصوص مذهب شیعه گردیدند.

۲- تمامی دستگاههای اطلاعاتی غرب و شرق موظف به ایجاد، حمایت، تبلیغ، سرمایه گذاری و کمکهای مالی و غیر مالی جهت ایجاد فرقه های تحریف شده در اسلام به منظور حذف یا کمرنگ جلوه دادن مبانی اصیل: "مبازه با ظلم، مبارزه با فقر، مبارزه با استعمار و استثمار، تشکیل حکومت اسلامی، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، دخالت در تصمیمات حکومتی" از دین اسلام و جایگزین کردن آنها با پرداختن صرف به ظواهر دین با طرح گسترده ضرورت "نماز، روزه، تلاش برای روزی، تلاوت قرآن، خواندن ادعیه، مراسم سنتی مذهبی، دوری از سیاست، ریاضات مستحب، زیارت، حج و ...". گردیدند.

۳- تمامی دستگاههای اطلاعاتی غرب و شرق موظف به کمرنگ کردن ابهت قیام امام حسین و نا امید کردن شیعیان از ظهور امام دوازدهم به هر طریق ممکن شدند.

ایرانیان عزیزی که با حضور چشمگیر در رقابتیهای مختلف علمی جهان در طول سالیان دراز هوش و زکاوت و تواناییهای خود را به رخ جهانیان کشیده اند امروزه براحتی میفهمند که اوجگیری پیدایش فارج گونه فرق مختلف صوفیه و تقویت و تبلیغ فرق منقرض آنها که همگی در شعار جدایی

دین از سیاست و کناره گیری از نظارت و دخالت در کار دولتهای ایران زمین در آن دورانی که شیعیان ایران بیش از پیش به همبستگی و ادامه مبارزه با ظلم و فساد شاهان بی لیاقت و دفاع از آب و خاک خویش احتیاج داشتند مر هون اجرای کدام سیاستگذاریها و کدام جلسات در کدام کشورها بوده و خواهد بود! صوفیه اگرچه با استعانت بر امدادهای غبی دول کریمه برتیانیا و روسیه و حمایتهای مالی و تبلیغاتی سایر استعمارگران توانسته بود با نامها و رنگهای مختلف گروه گروه از هسته مت مرکز شیعی ایران زمین پراکنده کرده و با اجرای مو به موی بندهای اول و دوم تصمیمات جلسه مزبور راه را برای چاولگریهای مجدد اربابان استعمارگر هموارتر نماید ولی هنوز با آن خوش خدمتی ای که لایق نام کبیر برتیانیا باشد راه بسیار بود.

مردم ایران با شنیدن نام حسین ابن علی (ع) از خود بی خود می شوند و با خواندن زیارت عاشورا زمین و زمان را به لرزه در می آورند و کاخ ظالمان را در هر جای دنیا که باشد بر سر شان و بران می کنند. ایرانیان با نام ابا الفضل (ع) یکپارچه غیرت می شوند و به بیگانه اجازه نگاه بد به ناموس ملی شان را که همان سر زمین پاک و مقدس ایران و منابع زمینی و زیر زمینی آنهاست نخواهند داد. این مردم با نام علی ابن ابی طالب (ع) قله های پیش روی خود را بدون توجه به بلندی آنها فتح می کنند و صحن مطهر امام رضا (ع) را چون قطعه ای از بهشت موعود خود دوست دارند. اینان مرگ با عزت را از زندگی با ذلت عزیزتر میدارند و با آرزوی ظهور، قیام و انقلاب جهانی امام دوازده مشان حضرت مهدی (ع) از هیچ ابرقدرت گرگ صفت و زیاده خواهی هراس به دل راه نمیدهند.

آری! انجه نهضت بیداری اسلامی را برآه اندخته و کاخ زورمندان زور مدار را به لرزه در آورده بود همه ارکان دین یکتا پرستی اسلام بود و ضرورت ظهوری که بتوانند تمامی مظاهر اسلامی را خلع نموده و کلیه مقدسات و احکام آنرا نسخ نماید چیزی نبود که دشمنان این سر زمین و ملت حتی یک لحظه از آن غافل باشند. پیر رویاه مکار بدکاره این بار ابتن نطفه حرامی شد که به برکت تعدد و گسترش نسبی فرق صوفیه اوضاع نسبتاً مساعدی برای تولد آن در ایران زمین فراهم شده است تا به گواه همان تاریخی که خود تان نگاشته اید در غالب آئینی نو ظهور با هدف اجرای تمامی بندهای توافقنامه فوق الذکر و با مرکزیت فرار دادن حمله به انقلاب حسین (ع) و انتظار ظهور منجی جهانیان متولد شود. این همان آئین آبا و اجدادی بهائیت شماست که همواره بر آن نام مقدس نهاده اید و در کنار شعارهای ملی گرایانه و افتخار به سر زمین باستانی ایران قرار داده اید، آیا واقعاً باور کرده اید که این آئین منافع ملی ایرانیان و سر زمین مقدس و باستانی ایران را تضمین نموده است؟

آنین جدید ابتدا و برای اولین بار توسط رژیم غاصب صهیونیستی به رسمیت شناخته می شود! رژیمی که صرف نظر از بدنامی بین المللی بدین ترین انسانها نسبت به ادیان الهی به شمار میرود. بهائیان در اراضی این رژیم از پرداخت مالیات معاف می شوند و علی رقم جنایات روز افزون این رژیم بر ضد بشریت و محکومیتهای متعدد بین المللی در طول دهها سال گذشته، حتی یکبار به طور غیر مستقیم نیز این جنایات را محاکوم نمینمایند و شان خود را بالاتر از دخالت در امور داخلی دولتها میدانند! بگذیرم از آنکه نوبت به ایران که میرسد با ولع تمام مایل به دخالت در تمام ارکان حکومتی می شوند و اعدام قانونی سارق مسلح را نماد نقض حقوق بشر در ایران معرفی مینمایند. برای دهها هزار زندانی بی گناه تحت شکنجه های فجیعی که در زندانهای رژیم صهیونیستی (به اذعان سازمان ملل) هر روز با فلاکت می میرند، یک کلمه لب به سخن نمیگشایند و برای دو ساعت بازداشت قانونی (یا غیر قانونی) فلان روزنامه نگار ایرانی دویست هزار اعتراض نامه جمع می کنند!! سران شما بقدرتی بازیچه دست سیاستمداران اسرائیلی قرار می گیرند که شوقی اندی در دستور العملی که صادر می کند خواستار "تلاش کشورها برای برقراری رابطه با دولت اسرائیل" می شود. جای بسی تاسف است که جامعه بهائیان ایران بدون کوچکترین تاملی در وقایع تاریخی و سیاسی اطرافش خواسته و ناخواسته به اجرای کورکرانه دستوراتی می پردازد که در دفاتر موساد اتخاذ گردیده است و سرانش دست دوستی به سوی رژیمی بلند کرده اند که حتی در شعارهای عوام فریبانه جهان وطنی و صلح جهانی بهائیت هیچ گونه همخوانی ندارد!! زیارت عاشورا دوباره توسط پیغمبر جدید بازنویسی شد و طبیعی است که جملات اصلی و محرك و انگیزه دهنده آن مبنی بر نفی ظلم و مبارزه با ظالم و پی گیری راه ابا عبد الله جای خود را به جملات احساسی صرف و بی خطر برای دشمنان داد. ظهور منجی تا هزار سال آینده رد شد و اسلام و تمامی دستورات اساسی آن منسوخ گردید!! یک دین مبتلى بر تساهل و تسامح و کاملاً واکسینه شده ظهور کرد که حد اقل تا هزار سال دست ظالمین برای ظلم و جنایت در جهان باز گردیده و راه چاول ملتها کاملاً هموار و اجازه دفاع از مظلوم و اعتراض او به ظلم از وی سلب گردید و یکی از خنده دارترین و در عین حال تاسف بارترین برگه ها را برای تاریخ این سر زمین رقم زد.

ابهت و تعجب ما از نامه سرانタン به رئیس جمهورمان زمانی به اوچ خود میرسد که آنان از ۱۶۱ سال تحمل درد و رنج و تبعیضات سخن میرانند، و در جایی از نامه خود از قتل و اعدام و حبس بی حساب و کتاب بی گناهانشان پس از انقلاب پرده دری میکنند!! شاید گذشت بیش از ۲۶ سال از انقلاب اسلامی ایران باعث فراموشی قسمتی از حقایق دوران ستمشاھی برای نسل جدید و جوان جامعه ایرانیان بهائی شده باشد ولی تعجب ما از آن است که این کلمات از زبانهایی شنیده میشود که نامشان در تاریخ ثبت شده و گویا تاریخ زندگانی خود را هم به فراموشی سپرده اند!! ملت ایران هنوز جنایات بهائی معروف سپهبد صنیعی، آجودان مخصوص شاه و وزیر جنگ وی را در قتل عام مسلمانان در تهران و شهرهای دیگر ایران فراموش نکرده اند. امیر عباس هویدا، نخست وزیر بهائی رژیم سلطنتی که مدت زمامداریش در دوران طاغوت از همه نخست وزیران دیگر طولانیتر بود لکه ننگ دیگری در تاریخ ماندگار ایران بود. شما سرلشگر ایادی پژوهشک مخصوص شاه، هوشناگ نهادنی رئیس دانشگاههای تهران و شیراز، فخر و پارسا و زیرآموزش و پرورش، شاهقانی وزیر بهادری، مهندی مسؤول دفتر هویدا و صدها مقام سیاسی و نظامی دیگر این رژیم را که همگی متین به دیانت بهائی بودند فراموش کرده اید؟ هرگز! این ملت فراموش نمیکنند که مقامات بهائی از دستان تا دانشگاه (وزیر آموزش و پرورش تا رئیس دانشگاه) برای تغییر عقاید حقه این مردمان برنامه ریزی کرده بودند و با تمام قوا نظمی رژیم پهلوی (از آجودان مخصوص شاه تا وزیر جنگ) به جان و مال و ناموس این مردمان تجاوز کرده بودند، طوریکه سرلشگر فردوست، رئیس ساواک رژیم نیز در کتاب مشهور خاطراتش مینویسد: "بهائیانی را که من دیدم واقعاً احساس ایرانیت نداشتند و این کاملاً محسوس بود و طبعاً این افراد جاسوس بالفطره هستند". با همه اینها آیا باز هم مردم ایران حق نداشتند این جانیان بالفطره را به مجازات خیانتها و جنایتها بشان برسانند؟! گرچه اکثر غریب به اتفاق آنان در اواخر حکومت ستمشاھی به همراه میلیاردها میلیارد اموال و دارائیهای ملت مظلوم ایران به دامان اربابان آمریکائی و انگلیسی و اسرائیلی خود پناه برده و فراری شدند. چه بسیار هزینه های کلان جنایات بزرگ بشری علیه ملل مظلوم عراق و فلسطین که توسط متمولین بهائی پرداخت میگردد تا شاید چند صباحی دیگر آنان را به رسميت شناخته و از حقوق این مظلومان مغضوم حمایت بعمل آید!! با تمام این حرفها، صاحبان این سرزمین زیبا و مردمان والا مقام و پر شور و نشاط و پر استعداد این مرز و بوم پس از ایجاد انقلابشان با تمام توان به سوی اهداف متعالی اسلام مبنی بر نفی ظلم و جنایت در جهان و حمایت از مظلومان عالم ادامه میدهند و با پیروی از امامان مغضوم و استعانت از مهدی موعودشان محمد این حسن عسکری (ع) و حمایت از دستورات ولی و رهبر حاضر و فرامین کتاب مقدس قرآن به تلاش روز افزون خود در کسب علم و دانش و ارتقاء علمی و اخلاقی و نظامی در تمام عرصه ها ادامه خواهند داد، و علی اصرار ابرقدرتها بر دخالت در کار آنها، از ابرقدرتها میخواهند که آنان را به حال خود واگذارند و درکار آنها دخالت نکنند. اینان هیچ اعتقاد و احتیاجی به ظهور خدایان زندانی بهائی و پیغمبران اعدامی آنان نداشته و ندارند. اینان به حکم آیه شریفه: "لکم راع" همگی اولیاء و مسوروان خود هستند و شما به حکم جمله کتابتان: "انتم اغنام الله" گوسفندانی برای سرانタン هستید. بینید که با حمایت کورکرانه شما از بیت العدل، در گسترش تبلیغات علیه نظام ایران، اکنون ملت جمهوری اسلامی را که راه خود را برای کسب علم و پیشرفت در علوم جدید و مخصوصاً انرژی هسته ای هموار کرده بود، در فشارهای بین المللی برای دست کشیدن از این تکنولوژی قرار دادید. علمی که به اعتراف دانشمندان جهان متوانست مقام ایران را تا ۵ کشور برتر علمی جهان بالا بیاورد. سر و صدایهای اخیر و مخصوصاً نامه مضحکی که در تمام ایران و جهان توزیع گردید فشارهای سیاسی بر ایران را دو چندان کرده طوریکه همگام با این نامه نخست وزیر و وزیر خارجه کشور انگلستان اعلام کرند که باید پرونده حقوق بشر ایران بررسی شود، و اسرائیل ایران را به حمله نظامی تهدید نمود و آمریکا فشارهای تبلیغاتی خود را بر مساله انرژی هسته ای ایران افزایش داد. البته واضح و میرهن است که همه اینها از قبل طراحی و برنامه ریزی شده بود و نامه مذبور نیز بخشی از سناریوی استکبار و استعمار جهانی بود و بیت العدل نیز بار دیگر به وظیفه وجودی خود عمل نمود و گوشت قربانی رژیم اشغالگر قدس گردید.

بهر تقدير بیش از دو دهه از تحمل حضور شما در جامعه پاک و روشنفکر ایران توسيط اين ملت رنج كشیده ميگذرد که نشانه اوچ تحمل مردمان اين سرزمين است ولی بدانيد که کاسه صبر ايرانيان نيز رو به ليريزی است و توده های اين مردم برای حفظ منافع ملي و سرزمينی بلند مدت خود دیگر تاب تحمل اين کارشكنی ها و زيان درازيهها را ندارند و در صورت تجاوز مجدد و هر گونه تعدى به حریم منافع اسلامی و ملي خود مشت محکمی بر دهان متجاوزان خواهند زد و در اين راه از هیچ اقدامي فرو گذار نخواهند نمود.